

## جرم انگاری سقط جنین در فقه امامیه و نظام کیفری ایران

□ حوریه خدایی \*

### چکیده

حق حیات به عنوان اساسی ترین حقوق بشری، همواره مورد توجه مکاتب مختلف فکری و مذهبی، مخصوصاً ادیان توحیدی قرار داشته است و مسئله سقط جنین یکی از مهم ترین مباحثی است که در این زمینه مطرح می شود. حیطه های مختلف، هریک از موضوعات سقط جنین بر حسب زاویه نگاه محقق قابل بررسی و قضاوت است لذا نوع سقط در تعیین حکم آن نقش اساسی دارد. سقط جنین را می توان حول محور دو حق بنیادین مادر و جنین مبنی بر حیات در دوران بارداری مورد واکاوی قرارداد. از این رو، مبنای جرم انگاری سقط جنین ترجیح یکی از این دو حق است. این پژوهش با روش کتابخانه ای از رهگذر تبیین عناصر متشکله جرم سقط جنین و نحوه واکنش کیفری شارع و قانون گذار شرع در قبال این جرم، مبنای جرم انگاری را حمایت از حق جنین قابل زیست بنا نهاده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در نهایت سقط جنین با انقطاع عمدی دوران بارداری مطلقاً حرام و جرم و جنایت بر شخصیت حقوقی جنین است. در شرع اسلام مستوجب دیه و تعزیر دانسته شده و قانون گذار به تأسی از فقه، سقط جنین را در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ جرم و مستوجب مجازات دانسته است.

واژگان کلیدی: سقط جنین، حق حیات جنین، جرم سقط جنین، شخصیت حقوقی جنین.

## ۱- مقدمه

سبک زندگی مدرن آسیب‌های اجتماعی زیادی را باعث شده که یکی از آن‌ها سقط جنین است. سقط جنین از این منظر موضوع جدیدی محسوب می‌شود که گریبان گیر اکثر جوامعی است که با مشکل نرخ کم‌رشد جمعیت مواجه هستند. بشر امروزی به دلیل مشکلات اقتصادی عاطفی و اخلاقی تمایل چندانی به ازدواج و زادوولد نداشته و به تبع آن مشکلاتی مانند روابط نامشروع بارداری ناخواسته و سقط جنین ایجاد می‌شود.

این جرم خاموش به‌عنوان معضلی در تمامی کشورهایی که با مشکل جمعیت انسانی و مشکلات سیاسی و اقتصادی مواجه هستند و نیز کشورهای متمدن به‌عنوان حقوق فردی و حفظ حریم خصوصی در روابط جنسی مورد دغدغه حقوقدانان و جرم‌شناسان گردیده است. این جرم با انگیزه‌های مختلف عمدی و غیرعمدی صورت می‌پذیرد که به لحاظ نحوه ارتکاب و مکان وقوع جرم و عدم رؤیت‌پذیری خاصیت گزارش‌پذیری کمتری دارد.

با اهتمام ادیان توحیدی در مورد حفظ جنین و جایز نشمردن سقط آن، حفظ حیات انسان از مسلمات شمرده می‌شود و سقط جنایی جنین در فقه امامیه حرام و موجب کیفر محسوب می‌گردد. در قوانین کشورهای مختلف از جمله ایران این عمل جرم و مستوجب مجازات دانسته شده است. همچنین هیچ‌یک از قوانین شرعی و مدنی برای مادر مصونیتی قائل نشده است.

جرم‌انگاری این عمل می‌تواند ارتکاب به جرم سقط جنین را، کاهش دهد. البته باید توجه داشت که منظور از جرم‌انگاری در نظر داشتن مجازات حبس یا قصاص نیست بلکه در این مورد مجازات جایگزین حبس، مورد نظر است که چه‌بسا اثر بیشتری داشته باشد.

حال سؤال اصلی این است که چگونه فقه امامیه سقط عمدی جنین را جزء جنایات شمرده و مجموعه قوانین کیفری ایران به تبع فقه این عمل را جرم‌انگاری نموده است؟ پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای بر اساس حقوق بنیادین جنین برحسب حق حیات انسانی و کرامت ذاتی، شخصیت حقوقی جنین را تبیین و عدم جواز سقط جنایی را مورد بررسی قرار داده است.

خانم حوریه شمشیری میلانی «سقط جنین، حق حیات مادر بررسی سقط جنین از منظر طب» به بررسی سقط برای درمان مادر پرداخته است که با موضوع سقط جنایی جنین تفاوت واضح دارد. آقای مجید صادقی در مقاله‌ای با موضوع «بررسی فقهی-حقوقی مجازات سقط جنین در رسیدن به سیاست افزایش جمعیت» به راهکارهای پیش گیرانه فقهی-حقوقی سقط جنین پرداخته اما به این مهم از جنبه مجرمانه بودن عمل پرداخته نشده است. عنوان «واکاوی دیدگاه فقهایی مذاهب اسلامی در سقط جنین، ناظر به سلامتی مادر و جنین» نگاشته نسرین فتاحی، به فتاوی فقها امامیه و اهل سنت پرداخته و فاقد تحلیل بررسی ادله فقه امامیه و قوانین حقوق کیفری ایران است.

همچنین در کتب فقهی متعددی در خصوص سقط جنین و کیفر آن بحث شده است که از جمله می‌توان به «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام» محمدحسن نجفی، «العروة الوثقی» محمدکاظم طباطبایی یزدی، «الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة» و «مسالك الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام» شهید ثانی و در کتب حقوقی به «بررسی جرم سقط جنین در حقوق ایران» احمد مظفری و «سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم» محمد نوذری فردوسیة اشاره کرد. واضح است که هیچ‌یک از این کتب درصدد بیان و تحلیل سقط جنین جنایی به‌طور مشخص از دیدگاه فقه امامیه و تطبیق با قوانین کیفری ایران نمی‌باشند بلکه تنها به توضیح سقط جنین و بیان مجازات‌ها به‌طور اعم پرداخته‌اند.

## ۲- مفهوم سقط جنین

سَقَطَ کلمه‌ای عربی است که در زبان فارسی به سِقَط تلفظ می‌شود و معنای سقط جنین می‌دهد. وقتی بگوئید فلان خانم سقط کرد یعنی بچه انداخت یا جنین خود را از دست داد. اگر نوزادی با وزن کمتر از ۵۰۰ گرم متولد شود به آن سقط گویند (Cunningham, 2010) و بعضی این تعریف را برای وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم در نظر می‌گیرند (کانینگهام، ۱۳۷۰ ش: ۲/۱۱۴۳).

جنین در لغت عبارت است از بچه‌ای که در شکم پنهان شده (الولد فی البطن) و همچنین به معنای هر چیز پوشیده و پنهان است (الفیروز آبادی، بی‌تا: ۴/۱۲۱۲) و به فرزند در شکم مادر، از آن‌رو که پوشیده و پنهان است، جنین گفته می‌شود (جوهری، ۱۳۶۸ ش و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق). جمع آن أَجِنَّه و أَجْنُن است (صفی پور، بی‌تا، ۲۰۱/۱).

در علوم زیستی و جنین‌شناسی، به موجود حاصل از لقاح از سه تا هشت هفتگی رویان و پس از هشت هفتگی تا زمان تولد، جنین گفته می‌شود (سلطانی‌نسب، ۱۳۵۶ ش: ۶/۱).

در اصطلاح فقهی و حقوقی واژه جنین مترادف با «حَمْل»، یعنی بچه در رحم مادر از ابتدای بارداری تا تولد، به کار می‌رود (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق: ۳۲۶/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۲۹/۵؛ مدکور، ۱۹۶۹ م: ۱، ۳۳). جنین حمل در شکم مادر است که به دلیل استتار آن در شکم مادر به این نام خوانده می‌شود (جبعی عاملی، ۱۴۱۲ ق: ۲۸۸/۱۰).

لفظ حمل نسبت به جنین دارای معنای اخصی است، چراکه اصولاً حمل مرحله‌ای از رشد و نمو جنین است که تکامل بیشتری در آن مشاهده می‌شود و اغلب، دارای آثار حیات است (ولیدی، ۱۳۶۹ ش: ۲: ۱۲۱/).

دوران بارداری به سه دوره، پیش رویانی - پنج هفته اول بارداری از روز اول آخرین دوره قاعدگی - دوره رویانی - از هفته ۶ تا ۹ بارداری - دوره جنینی - از هفته ۱۰ بارداری تا هنگام وضع حمل - است (Cunningham FG, Leveno KJ, 2010) و سقط جنین به معنای از دست رفتن زودرس حاملگی قبل از هفته ۲۰ بارداری است.

قرآن در ۱۹ سوره به واقعیت پیدایش جنین اشاره نموده و مراحل تکامل جنین را در رحم مادر در شش مرحله بیان می‌کند:

۱. مرحله نطفه<sup>۱</sup>: از نظر زیستی، سلولی که از اتصال تخمک و اسپرم حاصل می‌شود «سلول تخم» نام دارد. در عرض ۲ روز پس از بارداری، از طریق لوله حمل تخمک (لوله رحمی) با فعالیت عضلات جدار لوله رحمی به سمت رحم حرکت می‌کند. در همین زمان، سلول مکرراً تقسیم می‌شود تا مجموعه‌ای از سلول‌ها به نام «مورولا» حاصل شود. پس از ۵ تا ۷ روز، این مجموعه سلول به رحم می‌رسد و در آندومتر (سطح داخلی رحم) جای گرفته و به رشد خود ادامه می‌دهد. این مرحله را مرحله «لانه گزینی» (Hamilton, boyd, 4th) گویند و قرآن به‌عنوان «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ» (مؤمنون، ۱۳) یاد کرده است.

۲. مرحله تبدیل نطفه به علقه (لخته خون)<sup>۲</sup>: مرحله علقه از روز ۱۵ تا روز ۲۴ دوره رویانی است. در این مرحله، رویان توسط بند ناف به دیواره رحم متصل می‌شود. خون در رگ‌ها به‌صورت جزایر خونی تشکیل

می‌شود و به رویان شکلی شبیه لخته خون می‌دهد و نطفه استعداد انسان شدن را دارا می‌شود.  
۳. مرحله تبدیل علقه به مضغه (بافت نرم)<sup>۲</sup>: رویان در روز ۲۴-۲۶ جنینی وارد مرحله مضغه می‌شود. در این مرحله جنین برای دریافت صورت انسانی قابلیت پیدا می‌کند. البته در برخی موارد، جنین چنین قابلیت را نمی‌یابد و سقط صورت می‌گیرد و یا به صورت انسان ناقص الخلقه متولد می‌شود که آیه تعبیر به «مخلّقه» و «غیر مخلّقه»<sup>۴</sup> کرده است.

۴. مرحله عظام (رشد استخوان‌ها)<sup>۵</sup>: چهارمین مرحله تکامل انسان در قرآن، شکل‌گیری استخوان‌ها و پوشاندن آن‌ها با گوشت است. در طی هفته چهارم، در رویان، قطعاتی به نام سوماتیت به وجود می‌آیند که از این نواحی، قسمت وسیعی از اسکلت استخوانی و عضلانی بدن شکل می‌گیرد و رشد اجزای ابتدایی تا پایان هفته شانزدهم، یعنی حدود چهارماهگی، سیر تکامل خود را طی می‌کند. از نظر علمی، از هفته چهاردهم، فعالیت استخوان‌سازی، اسکلت جنین و حرکات اندامی آن، به‌خصوص با روش «اولتراسونوگرافی» مشاهده‌پذیرند.

۵. پوشش استخوان با گوشت: قرآن به این مرحله با «فَكْسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» (مؤمنون، ۲۳) اشاره می‌کند. تعبیر پوشش با گوشت، می‌تواند اشاره به شکل‌گیری عضلات در جنین باشد که در هفته هفتم و هشتم شکل گرفته و تقریباً چهره انسانی جنین کم‌کم آشکار می‌شود. از این مرحله به «مرحله تشکیل اعضا» تعبیر می‌شود.

۶. آفرینش برتر با دمیدن روح: خداوند پس از تکمیل خلقت مادی، خلقت دیگری را که دمیدن روح الهی است، در انسان ایجاد می‌کند «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون، ۲۳). مرحله جنینی طفل از این پس شروع می‌شود و احکام بحث شده در خصوص سقط جنین به دو دوره قبل از این مرحله در مراحل پنج‌گانه و پس از این مرحله تقسیم می‌شود.

کیت مور<sup>۶</sup> تقسیم‌بندی قرآن را دقیق‌ترین تقسیم‌بندی دانسته است؛ زیرا از اصلی واضح و آشکار در تکامل جنین سخن می‌گوید (keith moor, 1994).

### ۳- سقط جنین در اقوام و ملل کهن

عمل سقط جنین مثل بچه‌کشی از زمان‌های قدیم و ماقبل تاریخ تا زمان حال رایج بوده و افراد بشر در طول

تاریخ اقدام به این کار نموده‌اند لذا تاریخ این مطلب را درباره بت پرستان و ستاره پرستان قدیم ضبط کرده است (طباطبائی، ۱۳۸۰ ش، ۷/۵۰۶).

مطالعه کتب طبی قدیم نشان می‌دهد که یونانیان داروهای مختلفی برای سقط جنین به کار برده و وسایلی نیز برای تسهیل این عمل داشتند. فلاسفه یونان نه تنها با این کار مخالفت نمی‌کردند بلکه در هر شرایطی این عمل را مجاز می‌دانستند. سقراط سقط را با میل مادر و ارسطو در صورتی که مادر اولاد زیادی داشته باشد جایز می‌دانستند. بقراط پزشک مشهور یونانی نیز در قسم‌نامه معروفش از سقط جنین به عنوان عمل مذموم و ناپسند یاد کرد و پزشکان را از اینکه وسایل آن را در اختیار مردم یونان بگذارند بر حذر می‌کرد (فاضلی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶ ش: ۲۷۷).

رومیان قدیم نیز نسبت به جنین احترام زیادی قائل بودند و اسقاط آن را مجاز نمی‌دانستند. اگر زنی مرتکب این عمل می‌شد رئیس خانواده حق داشت به نحو مقتضی وی را تنبیه کند، زیرا در روم قدیم اختیارات در دست رئیس خانواده بود و شخصاً اجرای قوانین را بر عهده داشت. بعدها تأثیر افکار، فلاسفه یونان در روم نیز مشاهده شده و سقط جنین، با شرایطی مجاز شمرده شد (حکمت، ۱۳۵۶ ش: ۲۷).

در مصر قدیم سقط جنین مجازات سنگینی داشت (گودرزی، ۱۳۷۴ ش: ۳۶) و در عراق مجازات‌های شدید مانند غرامت مالی، شلاق و زندان برای آن مقرر نموده بودند (احمد، ۱۹۷۱ م: ۱۲۱).

در ایران کهن به زیان‌های فاحش فردی و اجتماعی این جرم پی برده و برای ممنوعیت آن در قوانین خود پیش‌بینی‌های لازم را کرده بودند از جمله اینکه در عصر مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان قوانین مدون پزشکی وجود داشت و پزشکان انواع داروهای ساقط کننده جنین را می‌شناختند و استعمال و تجویز آن مجازات سنگینی داشته است (گودرزی، ۱۳۷۴ ش: ۳۷) و قانونی حمورابی که حدود ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد تدوین شده، برای سقط جنین مجازات تعیین کرده است (گودرزی، ۱۳۷۴ ش: ۷).

## ۴- سقط جنین در ادیان الهی

### ۱- سقط جنین در دین یهود

یهود در زیاد شدن نسل خود می‌کوشد و بر زایمان بیشتر تشویق می‌کند لذا سقط جنین را مباح نمی‌داند. در کتاب مقدس یهود آمده است: «وظیفه فردی و دسته جمعی ما برای حراست و صیانت از زندگی، مأموریتی

است که از طرف خداوند متعال به ما داده شده است. پروردگار عالم به انسان مأموریت داد تا از راه تولید مثل شمار خود را افزایش دهد و دنیا را پر کند خداوند انسان را اشرف مخلوقات خود قرار داد و به او رخصت و مأموریت داد تا نسبت به نظارت بر مخلوقات و کائنات جهان طبیعت و جانوران و همنوعان خود اقدام نماید و در راه استمرار حیات خود و همه مخلوقات کوشا باشد» (کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، آفرینش ۲-۱۵). کتاب مقدس با احترام به جنین که انسان کامل است و تمام حقوق انسانی را دارد صیانت از زندگی را مطلقاً (حتی در مورد جنین) امری از جانب خداوند می‌داند.

تورات سقط جنین در موردی که در جریان نزاع جنین یک زن سقط شود اشاره کرده است. «اگر مردم جنگ کنند و زنی حامله را بزنند و اولاد او سقط گردد و ضرر دیگری نشود، البته غرامتی بدهد، موافق آنچه شوهر زن بدو گذارد و به حضور داوران ادا نماید و اگر اذیتی (صدمه‌ای) دیگر حاصل شود آنگاه جان به عوض جان بده و چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان و ...» (کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، سفر خروج، ۲۱).

در تلمود «مهم‌ترین منبع شریعت یهود در سده پنجم میلادی سقط جنین قتل عمد تلقی نشده و مجازات قصاص در نظر گرفته نشده است؛ ولی باین حال سقط جنین ممنوع است. انجام چنین اعمالی گناه و چنین گناهکاری خون‌ریز شمرده شده است.» (حافظ، ۱۹۰۲ م: ۱۲) در مزامیر مهم‌ترین اثر باب عرفان یهود آمده است: «پایه و اساس نهی از سقط جنین این است که آن کسی که جنین را در شکم همسرش می‌کشد به آفریده خدای یکتا توهین می‌کند.» (کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، سفر خروج ۱ و ۲)

## ۲- سقط جنین در دین مسیح

دین مسیح، سقط جنین را حرام می‌داند و قتل جنین را مانند قتل عمد می‌داند. در کتاب انجیل متی (عهد قدیم) تفسیری اخلاقی از سقط جنین را بیان می‌دارد: «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است قتل مکن و هر که قتل کند به آنچه سزاوار است حکم شود ...» (انجیل متی، ۲۲-۵: ۲).

در عصر حاضر کاتولیک و ارتدکس مادامی که سقط برای نجات حیات زن حامل نباشد آن را حرام می‌دانند (سباعی و البار، ۱۹۹۳ م: ۲۷۶)؛ هر کس که در عمل سقط جنین شرکت کند، هرچند حامل در اولین روزهای حیات خویش باشد، محکوم به قتل است اما پروتستان عمل سقط جنین را مباح می‌دانند (احمد،

۱۹۸۹ م: ص ۷۴-۷۶)؛ بنابراین با توجه به این رفتارهای دوگانه و با دقت در تعالیم انجیل که حیات را از لحظات اولیه جنین مقدس می‌داند کلیسا دچار تناقضی آشکار گردیده است. توتولیان یکی از الهی‌دانان مسیح، جنین را انعقاد نطفه انسان کامل می‌داند. به اعتقاد وی سقط جنین فقط آنگاه، مجاز است که برای نجات جان مادر ضروری باشد. آگوستین، دیگر عالم بزرگ مسیحی سقط جنینی که روح در آن دمیده شده و جنین بی‌روح را منع و نکوهش می‌کند (Clinton gardner, 1991, p1).

در قرن سیزدهم میلادی، توماس آکوئیناس بزرگ‌ترین الهی‌مسیحیت در قرون وسطا، به تبع ارسطو قائل به این شد که در پسران حدود روز چهارم پس از بارداری و در دختران روز هشتاد، روح دمیده می‌شود. اندیشه او باعث شد که در شدت یا خفیف بودن قبح سقط جنین، بسته به اینکه جنین در چه مرحله‌ای باشد، تمایز گذاشته شود ((Sowle cahill lisa, 1997, p1).

### ۳- سقط جنین در زرتشت

دین زرتشت سقط جنین را اکیداً ممنوع اعلام کرده است و هرگونه آسیب به جنین را موجب مجازات‌های سنگین می‌دانست (گودرزی، ۱۳۷۴ ش: ۳۷). در دین اوستای نو (تلفیق باورهای کهن با آموزه‌های زرتشت) سقط جنین به تمام معنا مردود و ناروا و کشتی آگاهانه شمرده شده است (فاضلی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶ ش: ۲۱۸). زرتشت حتی در مورد فرزندان طبعی که مولود روابط نامشروع بودند، قائل به ارفاق نشده و سقط جنین را مجاز نمی‌دانست. به همین لحاظ مجازات‌هایی را برای معاونین جرم و افرادی که به نحوی از انحاء مرتکبین را راهنمایی کرده یا یاری رسانده‌اند در نظر می‌گرفت (رزم‌ساز، ۱۳۷۹ ش: ص ۴).

### ۴- سقط جنین در دین اسلام

مذاهب اسلامی هر کدام تعریفی از سقط جنین ارائه داده و در بیان حکم سقط، حیات جنین را به دو مرحله قبل از دمیده شدن روح و بعد از آن تقسیم می‌کنند. در مذهب شافعی نظر مشهور بر این است که جنین آن چیزی است که مبدأ خلقت انسان است گر چه مضغه یا علقه باشد، چه آثار انسانی در او باشد یا نباشد (آدملی، ۱۹۶۷ م، ۱/۳۵۶). علمای این مذهب

سقط را تا قبل چهل روز جایز و پس از آن حرام می‌دانند (شافعی، ۱۴۲۶ ق: ۲۲۶۹؛ صنعانی، ۱۴۲۸ ق: ۱۰۳/۳).

علمای مذهب مالکی هر چیزی که زن در رحم حمل می‌کند از علقه یا خون بسته‌شده، جنین می‌دانند (دسوقی، ۱۲۳۰ ق: ۴، ۲۶۸). فقهای این مذهب سقط جنین قبل از چهل روز و قبل از نفخ روح را جایز و پس از نفخ روح را حرام می‌دانند (مصطفی عطوی، ۲۰۰۱ م: ۱۹۰).

از نظر علمای مذهب حنفی تا زمانی که آثار نفس در آنچه در رحم است ظاهر نشود، علقه یا مضغه یا خون بسته است و حکم ولد به آن نمی‌شود می‌شود و جنین نمی‌گویند (سرخسی، ۱۹۸۶ م: ۲۱۳، ۳). لذا برخی از فقهای حنفی قبل از چهل روز (کاسانی، ۱۴۱۷ ق: ۳۵/۷) و برخی تا زمانی که جنین به مرحله تخلق و شکل‌گیری و نفخ روح (۱۲۰ روز) نرسیده باشد سقط را جایز می‌دانند هرچند بدون اذن زوج باشد (عبدالنصر، ۱۴۲۹ ق: ۵/۳۹۶؛ ابن همام، ۱۳۱۹ ق: ۲/۴۹۵) ولی پس از شکل‌گیری و تخلق سقط را حرام می‌دانند (کنعان، ۱۴۱۴ ق: ۲/۵۶)؛ اما برخی از علمای حنفی سقط جنین را بدون عذر مطلقاً جایز نمی‌دانند (ابن عابدین، سال: ۲/۳۸۰).

علمای حنابله معتقد می‌باشند در مرحله مضغه و آشکار شدن علائمی از صورت انسانی بر او جنین اطلاق می‌گردد لذا در این مرحله سقط را حرام و موجب دیه می‌دانند اما قبل از آن یقیناً معلوم نیست که جنین باشد (ابن قدامة المقدس، ۱۳۸۸ ق: ۴/۸۰۲).

اجماع فقهای شیعه با استناد به ادله قرآن و روایات سقط جنین را در هر مرحله از حیات جنین مطلقاً حرام می‌دانند (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۴۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ص ۷۶۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ ق: ۱/۳۲۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق: ۴/۲۴۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ ق: ۲/۱۱۵؛ سبزواری، بی‌تابی تا: ۲۵/۲۵۳؛ نجفی، ۱۳۶۲ ش: ۴۳/۳۷۸).

## ۵- انواع سقط جنین

انواع سقط‌ها عبارت‌اند از:

۱- سقط عادی یا طبیعی: این نوع سقط ناشی از بیمارها و نارسایی‌ها است. در بسیاری موارد، زنان به علل ژنتیکی، مریضی، عوامل محیطی و تأثیر آن‌ها بر ارگان‌ها و یا علل نامعلوم دیگری دچار سقط جنین طبیعی

غیرارادی می‌شوند و با پیشامد کوچکی در زندگی مانند بروز احساسات و عواطف شادی‌بخش یا تأثیر انگیز و یا مشاهده یک صحنه تصادف یا نزاع بدون آنکه ربطی به آنان داشته باشد، سقط جنین می‌نمایند.

۲- سقط درمانی یا طبی: شامل مواردی است که ادامه بارداری برای مادر خطر جانی داشته باشد. سقط درمانی به معنای ختم حاملگی جهت حفظ جان مادر، قبل از زمانی که جنین بتواند زنده بماند. انجام این سقط با تأیید مراجع قضایی و صدور مجوز پزشکی قانونی انجام‌پذیر است.

در سقط درمانی شرایط زیر لازم است:

۱- ادامه بارداری برای جان مادر خطرناک باشد.

۲- سقط قبل از دمیده شدن روح تا هفته شانزدهم بارداری صورت می‌گیرد.

۳- درخواست و رضایت زن و شوهر، موافقت قضایی و ارجاع امر برای اظهارنظر سازمان پزشکی قانونی که موضوع در کمیسیون پزشکی مطرح و پس از احراز لزوم قطع بارداری، اقدام خواهد شد.

۴- برای مادر انجام عمل سقط خطر بیشتری از ادامه حاملگی نداشته باشد (عباسی ۱۳۸۲ ش: ۷۴).

۳- سقط جنایی: سقط به‌طور عمدی و غیرقانونی انجام شود. این نوع به سقط‌های اطلاق می‌شود که عمداً و با اختیار به حاملگی پایان داده می‌شود. از لحاظ تعریف به کشتن عمدی جنین که توسط مادر یا اشخاص دیگر انجام شود، سقط جنین جنایی گویند (جاویدی، ۱۳۸۳ ش: ۱۶). در این نوع، سقط جنین به یکی از روش‌های جراحی، مصرف دارو و با استفاده از ابزار موجب سقط انجام می‌شود (بلالی ۱۳۸۲ ش ۲۲: ۱۵۴).

## ۶- سقط جنین حق مادر یا جنین

سقط جنین انحراف اجتماعی مختص به زنان است و همین امر باعث شده که در میان جمعیت‌ها و جنبش‌های حمایت از زنان جهت‌گیری و موضع‌گیری‌ها مختلف در مورد آن انجام شود و جرم‌انگاری سقط جنین را نوعی خشونت علیه زنان قلمداد کنند؛ اما آنچه مسلم است ممنوعیت سقط جنین نه از منظر حق مادر بلکه از منظر حقوق جنین قابل طرح و بررسی است. در جریان‌های بین‌المللی در خصوص سقط جنین همان‌گونه که گروه‌هایی طرفدار آزادی سقط جنین هستند و با برچسب (pro-choice)

«طرفدار انتخاب» شناخته می‌شوند، گروه‌هایی با برچسب (pro-life) «طرفدار زندگی» شناخته می‌شوند و آزادی انتخاب در سقط جنین را ضد زندگی و حیات جنین می‌دانند. در دیدگاه این گروه سقط جنین انجام‌شده با حسن نیت، تنها باهدف حفظ حیات مادر، جرم محسوب نمی‌شود (Jones, Robert, 2011).

در شخصیت حقوقی جنین نیز اختلاف نظر وجود دارد برخی از صاحب‌نظران، کودک متولد نشده را فاقد شخصیت حقوقی دانسته و سقط جنین را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی به‌طور مطلق پذیرفته‌اند و معتقد به لغو کلیه محدودیت‌ها نسبت به سقط جنین هستند. در مقابل، برخی دیگر برای جنین قائل به شخصیت حقوقی می‌باشند و با سقط جنین مخالف بوده و تحت هیچ شرایطی آن را مجاز نمی‌دانند و حفظ جنین را یک تکلیف و وظیفه مطلق می‌شمارند. گروه سوم دیدگاه میانه را انتخاب کرده و قائل به آزادی نسبی در سقط جنین شده‌اند (نوذری فردوسی، ۱۳۸۴ ش: ۴۶).

در دیدگاه اسلام جنین انسان از ابتدای شکل‌گیری نطفه، محترم است. اگرچه او در این مرحله حیات نباتی دارد، اما یک انسان بالقوه است از این رو حق حیات او نزد فقها و صاحب‌نظران مسلم دانسته شده است. علامه جعفری می‌گوید: «حق حیات از آغاز بروز ماده خلقت آدمی که نطفه است و با قرار گرفتن آن در مسیر بروز حیات در این عالم، به وجود می‌آید و هرکسی که به تکلیف خود درباره این حق عمل نکند، اگرچه صاحب نطفه (پدر و مادر) باشد، مجرم شناخته می‌شود و کیفر مالی هم باید پردازد» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰ ش: ۲۵۰).

## ۷- ادله فقهای امامیه در حرمت سقط جنینی

### ۱- آیات:

- عموماً حرمت قتل:

- «و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق، نکشید»<sup>۷</sup> (انعام، ۱۵۱). به نظر آیت‌الله مکارم شیرازی در صورتی می‌توان از این آیه برای حرمت سقط جنین استفاده کرد که خلقت جنین تمام شده و روح در آن دمیده شده باشد و مراحل قبل از آن مشمول آیه مذکور نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ ش: ۲۸۶).

- «بدین سان شرکای ایشان کشتن فرزندان را به نظر بسیاری از آنان زینت دادند تا هلاکشان کنند و دینشان را

برایشان مشوش سازند ...»<sup>۸</sup> (انعام، ۱۳۷).

- «فرزندان خود را از ترس فقر مکشید، ما آنان را و خود شما را روزی می‌دهیم و کشتن آنان خطایی بزرگ است»<sup>۹</sup> (اسراء، ۳۱).

- «نفسی را که خداوند قتل آن را حرام کرده است نکشید ...» (اسراء، ۳۳)<sup>۱۰</sup>

۲- روایات:

مؤثقه اسحاق بن عمار از امام کاظم علیه السلام که شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل کرده است، «زنی که خوف باردارشدن دارد آیا می‌تواند نطفه‌ای را که در رحم خود دارد با خوردن دارو از بین ببرد؟ امام علیه السلام می‌گوید: خیر... اولین چیزی که خلق می‌شود، نطفه است»<sup>۱۱</sup> (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ۴، ۱۷۱) و این عمل را جایز ندانسته است.

امام صادق علیه السلام در مورد زنی که حامله بود و دارو خورد تا جنین سقط شود سؤال شد. حضرت فرمودند: اگر جنین در سنی بود که بر استخوان او گوشت روییده باشد زن باید دیه این جنین را به پدر او دهد و اگر علقه یا مضقه بود چهل دینار دیه به پدر جنین دهد و این زن از دیه ارث نمی‌برد زیرا او را به قتل رسانده است<sup>۱۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۳۲/۲۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۴۱/۷).

روایات مطلقاً سقط جنین را جایز نمی‌دانند حتی در صورت تجاوز به عنف. از امام باقر علیه السلام درباره زنی که شوهر دارد و زنا کرده، سپس باردار شده و بعد از تولد فرزندش، او را مخفیانه کشته است سؤال شد. امام باقر علیه السلام فرمودند: او را صد ضربه شلاق بزنید، به خاطر اینکه فرزندش را کشته و سنگسارش کنید زیرا زنا محصنه انجام داده است<sup>۱۳</sup> (شیخ طوسی، ۱۳۶۴ ش: ۴۶/۱۰).

امام باقر علیه السلام فرمودند: علی علیه السلام در مورد زنی که زنا کرده و حامله شده بود، سپس فرزندش را مخفیانه به قتل رسانده بود، حکم به شلاق او کرد که صد ضربه به او زدند و او را سنگسار کرد و این اولین رجم بود<sup>۱۴</sup> (شیخ الطوسی، بی‌تابی تا: ۳۰۱/۴).

## ۸- کیفر سقط جنایی جنین در فقه امامیه

برخی از فقهای شیعه بر این نظرند که در سقط کردن عمدی جنین، پس از دمیده شدن روح در آن، قصاص

ثابت است (مانند سلار دیلمی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۴۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق: ۴/۲۶۶؛ نجفی جواهری، ۱۳۶۲ ق: ۴۳/۳۸۱؛ سبزواری، بی‌تابی تا: ۱۱۲/۲۹؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷ ق: ۴/۷۲۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق: ۱۱/۴۷۳)؛ زیرا موجب خروج روح از جنین شده و اطلاق ادله ثبوت قصاص (نجفی جواهری، ۱۳۶۲ ق: ۴۳/۳۸۱) و عمومات نصوص مانند «أن النفس بالنفس» (مانده: ۴۵) این مورد را نیز شامل می‌شود. با توجه به اطلاق عنوان نفس بر جنینی که روح در وی دمیده شده است، به‌ویژه تصریحی که در برخی روایات (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ۲۹/۳۱۲) بر این نکته وجود دارد، دلیل این دیدگاه است (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ ق: ۱۰۲).

آیت‌الله خویی این حکم را به مشهور نسبت داده و آن را رد کرده است (خویی، بی‌تابی تا: ۲/۴۱۷). وی با استناد به صحیح‌ه ابو بصیر<sup>۱۵</sup> از امام باقر (علیه‌السلام) که مبنای قاعده انکاری لاقود<sup>۱۶</sup> است، قاتل جنین را مانند کسی که بچه صغیر یا شخص مجنون را کشته، مستحق قصاص نمی‌داند (خویی، بی‌تابی تا: ۲/۷۲) بلکه فقط دیه جنین را ثابت دانسته است (خویی، بی‌تابی تا: ۲/۴۱۷).

جمع کثیری از فقها مانند شیخ مفید (شیخ مفید، ۱۴۱۰ ق: ۷۶۲)؛ نجفی جواهری (نجفی جواهری، ۱۳۶۲ ش: ۴۳/۳۵۶)؛ (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق: ۴/۱۰۴۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۳ ق: ۲۵/۶۲۲) و از فقهای معاصر امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ ق: ۲/۵۹۷)، گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۴۱۳ ق: ۳/۲۹۱)، فاضل لنکرانی (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳ ش: ۱/۵۴۱)، منتظری (منتظری، ۱۴۱۳ ق: ۵۶۲)، وحید خراسانی (وحید خراسانی، بی‌تابی تا: ۳/۵۸۹) و مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ ش: ۲۸۶) نیز قاتل جنینی که روح در آن دمیده شده، از روی عمد را سزاوار قصاص ندانسته و فقط دیه را ثابت می‌دانند.

کسی که سقط جنین به دست او انجام گرفته است، اگر پس از دمیده شدن روح در جنین باشد، به جهت آنکه عنوان قتل بر آن صدق می‌کند، کفاره نیز واجب می‌شود<sup>۱۷</sup> (خویی، بی‌تابی تا: ۲/۴۰۹)؛ اما اگر پیش از دمیده شدن روح باشد، بنا به اجماع فقهای شیعه، کفاره لازم نمی‌آید (نجفی جواهری، ۱۳۶۲ ش: ۴۳/۳۶۴؛ سبزواری، بی‌تابی تا: ۲۹/۳۱۶).

یکی از قواعد فقهی مسلم نزد فقها «التعزیر لکل عمل محرم» است؛ که به اقتضای آن حاکم شرع می‌تواند مرتکب عمل حرام را تعزیر کند. بر مبنای کسانی که تعزیر در گناهان کبیره را لازم می‌دانند، در سقط جنین

تعزیر مرتکب لازم است. در فقه ترک هر یک از واجبات الهی و ارتکاب هر کدام از گناهان تعزیر دارد؛ مشروط بر اینکه حدّ شرعی نداشته باشد (مکارم، ۱۳۸۰ ش: ۲۹۲)؛ بنابراین، نظر به اینکه فعل سقط جنین مشمول حد نیست، تعزیر در آن امکان دارد.

## ۹- سقط جنینی جنین در حقوق

سقط جنین جنایی همان طوری که در تعریف آن روشن گردید اخراج عمدی جنین از رحم قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که نتیجه مجرمانه حاصل گردد خواه از وسایلی برای این کار استفاده شده باشد یا اینکه بدون هیچ گونه ابزاری انجام گردد در قانون مجازات اسلامی کشور ایران، جرم محسوب شده و برای آن مجازات‌هایی مانند پرداخت دیه و تعزیر در نظر گرفته شده و از جنبه عنصر مادی، روانی و قانونی قابل بررسی است.

الف- عنصر مادی:

تحقق عنصر مادی جرم سقط جنین منوط به شرایط ذیل است:

۱- وجود زنده جنین: اولین شرط تحقق عنصر مادی جرم سقط جنین، وجود قبلی جنین به طور زنده است؛ بنابراین اگر زن باردار نباشد به جهت غیرممکن بودن سقط جنین عمل مرتکب بر روی زن سقط جنین محسوب نخواهد شد. به لحاظ اینکه جنین مرده باشد عمل مرتکب بر روی زن منطبق بر جرم سقط جنین نخواهد بود.

۲- انجام عمل یا فعل مادی توسط مرتکب: آنچه در قانون مجازات اسلامی آمده است و از آن استنباط می‌گردد ارتکاب عمل مادی ممکن است به دو صورت انجام شود:

الف) به طور عملیات مجرمانه مستقیم: و آن عبارت‌اند از اینکه مرتکب جرم آگاهانه اعمالی را نسبت به زن حامله و به منظور سقط جنین یا حمل انجام می‌دهد مانند پزشک یا ماما<sup>۱۸</sup> و ... .

ب) عملیات مجرمانه غیرمستقیم: در این مورد پزشک یا ماما و ... یا افراد عادی زن حامله را به استعمال ادویه و ماکولاتی دارویی و گیاهان شیمیایی و ... دلالت و راهنمایی می‌کنند. مطابق مواد ۱۹۶۲۲ و ۲۰۶۲۳ قانون مجازات اسلامی زن حامل قابل مجازات قلمداد نگردیده است ولی اشخاصی که به طور آگاهانه زن را به سقط جنین راهنمایی و دلالت نموده‌اند عمل آن‌ها به عنوان جرم مستقل محسوب شده است (مظفری

۱۳۷۷ ش: ۶۲).

۳- مباشرت: مطابق با ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد».

الف- مباشرت توسط خود زن: در ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی<sup>۲۱</sup> اشاره به دو موضوع دارد اول اینکه زن حامله عالماً بدون استفاده از کمک و مساعدت کسی خود با استعمال مأكولات، ادویه و وسایل دیگری اقدام به سقط حمل می‌کند دوم اینکه زن راضی به سقط نبوده، ولی بر اثر اجبار همسر خود مجبور به اقدام به سقط حمل می‌کند. ماده فوق هیچ مجازاتی برای مادر پیش‌بینی نکرده است و وی تنها به موجب ماده ۷۱۸ به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باید دیه جنین را در هر مرحله‌ای که باشد بپردازد، بدون اینکه خود از آن دیه سهمی ببرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴ ش: ۲۸۷).

ب- مباشرت توسط پزشک یا افراد متخصص: به موجب ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار برای پزشک، ماما و ... به لحاظ سمت و شغل آنان مجازات را تشدید نموده و قائل به شدت عمل خاص و حبس شده است؛ زیرا آنان قسم خورده‌اند و باید حافظ نسل باشند نه قاتل آنان<sup>۲۲</sup>.

۴- تسبیب: به موجب ماده ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی<sup>۲۳</sup> معنای تسبیب اقتضا می‌کند که وقتی سقط جنین محرز و قابل مجازات است که بین عمل مرتکب و فعل مجرمانه رابطه سببیت وجود داشته باشد چراکه ممکن است در بعضی موارد ایراد ضرب وارده باعث ایجاد خونریزی و سقط شود اما گاهی وقت‌ها ممکن است ضربه شدید باشد ولی منجر به پارگی رحم و سقط جنین نگردد، اثبات رابطه سببیت بستگی به نظریه کارشناس (پزشکی قانونی) دارد؛ زیرا ممکن است ضربه شدید باشد ولی موجب سقط جنین نگردد.

زمانی که مرتکب جنایت در عمل به طور عمدی از طریق ضرب یا اذیت و آزار زن باردار موجب سقط جنین شود، مطابق ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، به حسب مورد، به حبس از یک تا سه سال نیز محکوم خواهد شد<sup>۲۴</sup>.

۵- معاونت در جرم: به موجب ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی<sup>۲۵</sup> مصوب ۱۳۷۰ ممکن است کسی بدون آنکه در عملیات اجرایی جرمی شرکت داشته باشد، به طرق مختلف، دیگری را در ارتکاب عمل مجرمانه یاری کند، لذا چون کمک کردن و یاری رساندن دارای مصادیق متعددی است، غالباً معاونت تعریف

نمی‌شود، می‌شود. تشویق به دلیل پرداخت پول و تمکین مادر در مقابل ماما و تسهیل جنایت توسط او، مطابق ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، معاونت در جرم است و طبق ماده ۱۲۷ همان قانون، جرم معاونت در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات ارتكابی خواهد بود؛ بنابراین، در فرض فوق، پزشک به علت مباشرت به دیه و حبس محکوم می‌شود و مادر به سبب معاونت قابل تعزیر است.

ب- عنصر روانی (معنوی):

دومین عنصر سقط جنین «قصد مجرمانه» یا سوءنیت است. برای تحقق هر جرم وجود قصد مجرمانه ضرورت دارد ولی ماهیت این قصد در کلیه جرائم یکسان نیست. گاه مرتکب عمل مجرمانه می‌خواهد که جرمی را مرتکب شود و تحقق نتایج عمل خود را خواستار می‌گردد در اصطلاح مرتکب جرم عمدی شده است؛ اما در بعضی موارد مرتکب جرم عمل خود را با اراده انجام می‌دهد ولی نتیجه حاصله از آن را نمی‌خواهد در این صورت جرم ارتكابی غیرعمدی یا خطایی خوانده می‌شود.

۱- سقط جنین عمدی: طبق ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی<sup>۲۶</sup> مرتکب باید به قصد سقط جنین و با علم به حامل بودن زن اقدام به سقط نماید؛ بنابراین اگر عمدی در میان نباشد یا مرتکب جاهل به حامل بودن زن باشد قابل مجازات نخواهد بود؛ اما در مورد سوءنیت، ضارب باید عالم به حامل بودن داشته باشد ولی اگر قصد سقط جنین نداشته باشد یا در زدن و ایراد صدمات عامد باشد ولی عالم به حامل بودن نباشد مشمول ماده نخواهد بود.

۲- سقط جنین شبه عمد: مرتکب جرم سقط جنین شبه عمد، عمل خود را با اراده انجام می‌دهد ولی نتیجه حاصله آن یعنی وقوع سقط را نمی‌خواهد؛ مثلاً بدون اینکه اراده سقط جنین نماید زن حامله را مورد ضرب و شتم قرار داده و اتفاقاً زن جنین خود را سقط می‌نماید و یا مرتکب، دارویی به زن حامله می‌دهد بدون اینکه قصد سقط جنین را داشته باشد.

۳- سقط جنین خطایی محض: ضابطه کلی جرائم غیر عمد (شبه عمد و خطای محض) به اثبات خطای مرتکب جرم است. در جرم سقط جنین خطای محض تحقق خطای جزائی به صورت یکی از مصادیق در مواد ۲۷۱۴ و ۲۸۷۱۵ و ۲۹۷۱۶ قانون مجازات اسلامی به صورت بی احتیاطی، بی مبالات، عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده یا متصدی وسیله ضروری است (مظفری، ۱۳۷۷ ش: صص ۵۶-۶۶).

ج- عنصر قانونی:

ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «دیه سقط جنین به ترتیب زیر است: ۱- دیه نطفه که در رحم ستقر شده بیست دینار ۲- دیه علقه که خون بسته است چهل دینار ۳- دیه مضغه که به‌صورت گوشت درآمده شصت دینار ۴- دیه جنین در مرحله‌ای که به‌صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار ۵- دیه جنین که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده است یک‌صد دینار ۶- دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبّه باشد، سه ربع دیه کامل خواهد بود».

ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر کشتن مادر، جنین بمیرد و یا سقط شود دیه جنین در هر مرحله‌ای که باشد باید به دیه مادر افزوده شود».

ماده ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی‌برد».

ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه چند جنین در یک رحم باشند به عدد هر یک از آنها دیه جداگانه خواهد بود».

ماده ۴۹۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «دیه اعضای جنین و جراحات آن به نسبت دیه همان جنین است».

ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست و خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد».

ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشأ انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد دیه و ارش ندارد، لکن اگر در اثر صدمه‌ای بر مادر وارد شده باشد بر حسب مورد جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود».

ماده ۷۱۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده ۷۱۴ (بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات یا عدم مهارت راننده) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیرقابل علاج باشد یا ... موجب سقط جنین شود مرتکب به حسب از دو ماده تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت

مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود».

ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هرگاه یکی از جهات مذکور در (ماده ۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که ... باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد».

## ۱۰- آراء فقها معاصر در جرم انگاری و مجازات سقط جنین

آیت الله گلپایگانی:

- در دیه جنینی که به وسیله پزشک با آگاهی و عمد سقط شده و مادر جنین هم مانع سقط نشده، پدر و مادر جنین و کسانی که از آنان وارث او هستند باید با هم مصالحه کنند.

- اگر شخص دیگری غیر از پدر و مادر با رضایت پدر جنین، متصدی سقط جنین زن شود، احتیاط آن است که پدر و مادر جنین در مورد دیه با وارثان طبقه بعد مصالحه کنند.

- چنانچه آمپول ضد بارداری را به شخص بی اطلاعی بدهد و او به گمان اینکه یک آمپول معمولی است به زن باردار تزریق کند و جنین سقط شود، دیه جنین بر عهده کسی است که او را به تزریق آمپول امر کرده است. - در صورتی که دکتر با عمل جراحی و یا تزریق آمپول به زن باردار، جنین او را سقط کند، دکتر ضامن دیه است.

- چنانچه خود مادر، شربت یا قرصی را که دکتر داده، بخورد و جنین را سقط کند، مادرش ضامن است.

- شخصی که آمپول ضد بارداری را می شناسد، اگر به دستور زن حامله آن را به او تزریق کند و جنین سقط شود، تزریق کننده باید تمام دیه را به پدر جنین و یا وارث او بدهند.

- زنی که از زنا باردار شده، در صورتی که خود او یا مردی که با وی زنا کرده یا هر دو مسلمان باشد، جایز نیست جنین خود را سقط کند (گلپایگانی، ۱۴۱۳ ق).

آیت الله مکارم شیرازی:

- سقط جنین را فقط قبل از دمیده شدن روح و قبل از آنکه جنین به صورت انسان کامل دربیاید، جایز دانسته اند؛ اما پس از دمیده شدن روح، سقط آن را جایز نمی دانند؛ زیرا جنین ناقصی که روح در آن دمیده

شده است مانند انسان کامل است و ادله حرمت قتل نفس، سقط جنین ناقص را هم شامل می‌شود. -دیه (سقط) بر عهده کسی است که سبب سقط می‌شود، مثل اینکه مادر کاری کند یا چیزی بنوشد که بچه سقط شود یا دکتر، آمپول تزریق کند یا سقط نماید و دیه به حسب مراتب سن جنین فرق دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ ش: ۱/ ۲۹۵-۲۹۶).

آیت‌الله سیستانی: سقط جنین از روی عمد، حرام است. کسی که در اسقاط مباشرت می‌کند، باید به پدر و مادر شرعی جنین دیه بدهد (سیستانی، ۱۴۱۴ ق: ۳/ ۱۱۵).

آیت‌الله صافی گلپایگانی: اگر دکتر مرتکب سقط شده، دیه بر ذمه دکتر است. به این معنا که دیه بر عهده سقط کننده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۵ ق: ۶۵).

آیت‌الله فاضل لنکرانی: کسی که مباشر اسقاط جنین است باید دیه آن را طبق سن جنین به ورثه آن طفل بدهد یا آن‌ها را راضی کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳ ق).

آیت‌الله خامنه‌ای: سقط جنین حرام است هرچند بر اثر زنا باشد و درخواست پدر باعث جواز آن نمی‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۱۵ ق: ج ۲/ ۶۶).

آیت‌الله خویی: اسقاط حمل جایز نیست اگر جنین، ناقص الخلقه و یا معلول باشد، اگرچه نطفه باشد و در آن دیه است (خویی، بی تا: ۲/ ۳۱۰).

## نتیجه‌گیری

با توجه به حق حیات و شخصیت حقوقی جنین نمی‌توان قدرت حیات و ممات آن را تحت سلطه و اراده شخص دیگری قرار داد. البته در این مسئله که جنین دارای حق شخصیت حقوقی باشد اختلاف نظرهایی وجود دارد که منجر به اختلاف آراء در خصوص جواز یا عدم جواز سقط جنین در نظر حقوقدانان در صحنه بین‌المللی شده است. در تفکر اسلامی، جنین انسان اگرچه هنوز شخصیت مرحله نطفه تا زمانی که روح الهی در کالبد بی جان او دمیده شود هنوز شخصیت حقوقی کاملی به او تعلق نگرفته است، لکن از آن جهت که قابلیت تبدیل شدن به اشرف مخلوقات را دارد؛ حیات وی قابل احترام بوده و صرفاً تحت دلایل موجه قطعی می‌توان به حیات او خاتمه داد؛ اما پس از تکمیل خلقت جسمانی و حلول روح و جان او، جنین از حالت نباتی عبور کرده و تبدیل به انسانی صاحب کرامت ذاتی، احترام انسانی است و حق حیات

وی محترم است. به تبع حق حیات شخصیت حقوقی کامل او مانند سایر افراد و در همان سطح به رسمیت شناخته می‌شود. در این مرحله، هیچ دلیل موجه و ضرورتی اسقاط و قتل وی را توجیه نمی‌کند لذا از نظر شرعی و حقوقی ساقط کننده ولو مادر باشد مجرم و مستوجب تعزیر و پرداخت دیه به وارثان جنین است. حق حیات جنین در صورت تعارض با سلامتی و حق حیات مادر قابل عدول است و در حیطه بحث سقط درمانی بررسی می‌گردد.

## پی نوشت

- ۱- «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم (انسان، ۲).
- ۲- «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً...» آن‌گاه نطفه را علقه قرار دادیم (مومنون، ۲۳).
- ۳- «...فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً...» و علقه را گوشت پاره قرار دادیم (مومنون، ۲۳).
- ۴- «... ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ...» ...از گوشتی که گویی جویده شده با آفرینشی تمام و ناتمام... (حج، ۵).
- ۵- «...فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظًا...» باز آن گوشت را استخوان ساختیم (مومنون، ۲۳).
- ۶- Keith Leon Moore استاد بخش آناتومی، در دانشکده جراحی، در دانشگاه تورنتو، انتاریو، کانادا و دانشیار علوم پایه پزشکی در دانشکده پزشکی بود. از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۴ رئیس آناتومی بود. او یکی از اعضای مؤسس انجمن آناتومیست‌های بالینی آمریکا و بین سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ رئیس AACA (American Association of Anatomists) بود. در سال ۱۹۸۰ برای سخنرانی در مورد آناتومی و جنین شناسی در دانشگاه ملک عبدالعزیز به عربستان سعودی دعوت شد. او می‌گوید: «من با کمیته جنین شناسی دانشگاه ملک عبدالعزیز در جده کار کرده‌ام و به آنها کمک کرده‌ام که بسیاری از بیانات قرآن و سنت را که به تولید مثل انسان و رشد قبل از تولد اشاره دارد، تفسیر کنند. ابتدا از صحت اظهاراتی که در قرن هفتم پس از میلاد، قبل از تأسیس علم جنین شناسی ثبت شده بود، شگفت زده شدم». کتاب او با عنوان «Human development as described in the Qur'an and Sunnah: Correlation with modern embryology رشد انسانی همانطور که در قرآن و سنت توصیف شده است: همبستگی با جنین شناسی مدرن» بارها ارائه و بازنگری شده است. ویراستاران A.A Zindani, Mustafa A. Ahmed,

M.B. توبین، و TVN Persaud آکادمی اسلامی (۱۹۹۴)، مجموعه مقالات در کنفرانس های بین المللی ریاض، عربستان سعودی (۱۹۸۳)، قاهره، مصر (۱۹۸۵)، اسلام آباد، پاکستان (۱۹۸۷)، و داکار، سنگال (۱۹۹۱). این کتاب پس از بازنگری به شکل فعلی در مسکو، روسیه در سپتامبر ۱۹۹۳ ارائه شد.

۷. وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ.

۸. - وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ لِيرُدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ...

۹. - وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا لَقَ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطِيئًا كَبِيرًا.

۱۰. - وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ...

۱۱. - رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَحُسَيْنِ الرَّوَّاسِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عِ الْمَرْأَةِ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرِبُ الدَّوَاءَ فَتَقْتُلِي مَا فِي بَطْنِهَا فَقَالَ لَا فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ قَالَ إِنْ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ.

۱۲. - ما رواه الحسين بن سعيد عن ابن محبوب عن علي بن رئاب عن أبي عبيدة عن أبي عبد الله عليه السلام في امرأة شربت دواء وهي حامل لتطرح ولدها فألقت ولدها قال : إن كان له عظم قد نبت عليه اللحم ورشق له السمع والبصر فان عليها دية تسلمها إلى أبيه. قال : وإن كان جنينا علقه أو مضغه فان عليها أربعين ديناراً أو غرة تسلمها إلى أبيه ، قلت فهي لا ترث من ولدها من ديته ، قال : لا لأنها قتلتها.

۱۳. - عن محمد بن قيس عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن امأه ذات بعل زنت فحملت فلما ولدت قتلت ولدها سرا قال : تجلد مائه لقتلها ولدها و ترجم لانها محصنه ، قال : و سألته عن امرأة غير ذات بعل زنت فحملت فلما ولدت قتلت ولدها سرا قال تجلد مائه لانها زنت و تجلد مائه لانها قتلت ولدها.

۱۴. - عن زرارته عن أبي جعفر عليه السلام قال : قضی علی عليه السلام فی امأه زنت فحملت ولدها سرا فأمر بها فجدها مائه جلده ثم رجمت و كان أول من رجمها.

۱۵. - «لا قود لمن لا يقاد منه» برای آن کسی که از او قصاص نمی شود، قصاصی نیست.

۱۶. - در مسئله قتل عمدی دیوانه توسط فرد عاقل، فقیهان بر خلاف قاعده اولیه در قتل عمد، حکم به نفی قصاص و لزوم پرداخت دیه نموده اند. لذا از اصل اولیه قصاص برای قتل عمد، افراد زیر استثنا شده اند: ۱- مجنون ۲- کودک ۳- پدر برای کشتن فرزند ۴- مسلمان در کشتن کافر ۵- عاقل در کشتن مجنون ۶- آزاد در کشتن برده ۷- بنا بر قولی نابینا در قتل عمد.. مستند این رأی اجماعی، خبری از امام باقر عليه السلام است که به «صحیح‌ه ابابصیر» معروف است. از آنجا که مفاد خبر خلاف قواعد اولیه باب قصاص است؛ برخی از فقیهان، حدیث را منحصر به مورد خود- یعنی قتل دیوانه- دانسته و از تسری آن بر سایر موارد اجتناب نموده اند.

۱۷ - بنا به نظر فقها كفاره سقط جنين همان كفاره قتل؛ يعنى آزاد كردن برده و در صورت عدم امكان آن، دو ماه روزه گرفتن و در صورت عدم امكان آن اطعام شصت فقير است (مؤسسه دايره المعارف الفقه الاسلامي، ۱۴۲۳ ق: ۴۰۲/۵).

۱۸ - ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامي مقرر مي دارد: «اگر طبيب يا ماما يا دارو فروش و اشخاصي كه به عنوان طبابت يا مامائي يا جراحي يا دارو فروشي اقدام مي كنند وسائل سقط جنين فراهم سازند يا مباشرت به اسقاط جنين نمايند به حسب ۲ تا ۵ سال محكوم خواهد شد».

۱۹ - ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامي مقرر مي دارد: «هر كس عالماً عامداً به واسطه ضرب يا اذيت و آزار زن حامله، موجب سقط جنين وي شود، علاوه بر پرداخت ديه يا قصاص حسب مورد به حبس از يك تا سه سال محكوم خواهد شد».

۲۰ - ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامي مقرر مي دارد: «هر كس به واسطه دادن ادويه يا وسايل ديگري موجب سقط جنين زن گردد به ماه تا يكسان حبس محكوم مي شود».

۲۱ - ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامي مقرر مي دارد: «زني كه عاملاً بدون مراجعه به طبيب مأكولات يا ادويه مذكور را استعمال نمايد و خود خويش را ساق نمايد مجازات او يك سال تا سه سال حبس جنحه يي است و اگر به واسطه امر شوهر باشد زن از مجازات معاف و شوهر او به مجازات زن محكوم خواهد شد».

۲۲ - ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامي مقرر مي دارد: «اگر طبيب يا ماما يا دارو فروش و اشخاصي كه به عنوان طبابت يا مامائي يا جراحي يا دارو فروشي اقدام ميكنند وسايل سقط جنين فراهم سازند و يا مباشرت به اسقاط جنين نمايند به حسب از دو تا پنج سال محكوم خواهند شد و حكم به پرداخت ديه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذيرفت».

۲۳ - ماده ۳۱۸ قانون مجازات اسلامي مقرر مي دارد: «تسبیب در جنایت آن است كه انسان سبب تلف شدن يا جنایت عليه ديگري را فراهم كند و خود مستقيماً مرتكب جنایت نشود ، بطري كه اگر نبود ، جنایت حاصل نمي شد ، مانند آنكه چاهي بكند و كسي در آن بيفتد يا آسيب ببيند».

۲۴ - ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامي مقرر مي دارد: «جنایت عمدی بر جنین، هرچند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتكب علاوه بر پرداخت ديه به مجازات تعزيري مقرر در كتاب پنجم «تعزيرات» محكوم مي شود».

۲۵ - ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۷۰ مقرر مي دارد: «هر كس عالماً وعامداً» با شخص يا اشخاص ديگر در يكي از جرائم قابل تعزير يا مجازاتهاي بازدارنده مشاركت نمايدو جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر يك به تنهائي براي وقوع جرم كافي باشد خواه نباشد و خواه اثر كار آنها مساوي باشد خواه متفاوت ، شريك در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. در

مورد جرائم غیر عمدی ( خطای که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود ».

۲۶ - ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: « هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد ».

۲۷ - ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: « هر گاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می شود ».

۲۸ - ماده ۷۱۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: « هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضاء بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود ».

۲۹ - ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: « هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آن که عضو از کار بیافتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد ».

## کتابنامه

- قرآن مجید.
- انجیل متی.
- تورات کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، (۱۳۸۰ ش). ترجمه فاضل همدانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- آدمی، شمس‌الدین محمد بن ابی‌العباس، (۱۹۶۷ م). *نهایه المحتاج الی شرح المنهاج*. قاهره: شرکه مکتبه و مطبعه المصطفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- احمد، هلالی عبدالله، (۱۹۷۱ م). *الحمايه الجنائیه لحق الطفل*. قاهره: دارالنهضة العربیه.
- ابن همام، کمال‌الدین محمد بن عبدالواحد سیواسی، (۱۳۱۹ ق). *فتح القدير للعاجز الفقير*. مصر: بی‌نا.
- ابن عابدین، محمدامین، (۱۳۹۹ ق). *حاشیه ردّ المحتار علی الدر المختار* (شرح تنویر الابصار). بیروت: بی‌نا.
- ابن قدامة المقدسی، (۱۳۸۸ ق). *المغنی*. مصر: مکتبه القاهرة.
- بالالی، اسماعیل (۱۳۸۲ ش). *زنان و پیامدهای سقط جنین*. فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۲.
- حافظ، محمد صبری، (۱۹۰۲ م). *المقارنات و المقارلات بین احکام المرافعات و المعاملات و الحدود فی شرع اليهود نظائرها فی الشریعه الاسلامیه*. مصر: مطبعه هندیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*. چاپ چهارم. بیروت: دار العلم للملایین.
- جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهیدثانی)، (۱۴۱۲ ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. شرح: سلطان العلماء، حسن بن محمد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جعفری تبریزی، محمدتقی، (۱۳۷۰ ش). *تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- جاویدی، مجتبی، (۱۳۸۳ ش). *بررسی تطبیقی در حقوق ایران حقوق انگلیس و فرانسه*. مجله

- گواهی. (شماره ۳).
- حکمت، سعید، (۱۳۵۶ ش). پزشکی قانونی. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- حر العاملي، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
- خامنه‌ای، علی، (۱۴۱۵ ق). اجوبه الاستفتاءات. کویت: دار النبأ.
- خویی، ابوالقاسم (بی‌تا)، مبانی تکمله المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- خویی، ابوالقاسم (بی‌تا)، المسائل الشرعیة. قم: مؤسسه الخوئی الاسلامیه.
- دسوقی، شمس الدین محمد عرفه، (۱۲۳۰ ق). حاشیه الوسوقی علی الشرح الكبير. مصر: مطبعة داراحیاء الكتب العربیة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالقلم.
- رزم ساز، بابک، (۱۳۷۹ ش). بررسی فقهی حقوقی سقط جنین. تهران: بهرام.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، (۱۴۰۴ ق). المراسم فی فقه الامامی. قم: منشورات الحرمین.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، (بی‌تا). مذهب الاحکام فی بیان حلال و الحرام. قم: دار التفسیر.
- سباعی، زهیر احمد و محمدعلی، البار، (۱۹۹۳ م). الطیب ادبه و الفقه. دمشق: دارالقلم.
- سرخسی، شمس الدین، (۱۹۸۶ م). المبسوط. بیروت: دارالمعرفة.
- سیستانی، علی، (۱۴۱۴ ق). منهاج الصالحین. قم: انتشارات مهر.
- شافعی، محمد بن ادريس، (۱۴۲۶ ق). الأم. بیروت: دارابن حزم.
- صفی پور، عبدالرحیم ابن عبدالکریم، (بی‌تا). منتهی الارب فی اللغة العرب. بی‌جا: کتابخانه سنائی.
- صنعانی، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۸ ق). سبل السلام شرح بلوغ المرام. بیروت: دارالمعرفة. چاپ هشتم.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، (۱۴۱۵ ق). استفتاءات پزشکی. قم: دارالقرآن الکریم.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، (بی‌تا)، القاموس المحيط والقابوس الوسيط فی اللغة. بیروت: دار العلم للجمع.
- فخر المحققین، محمد، (۱۳۸۷ ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۳ ق). جامع المسائل. قم: انتشارات امیر. چاپ یازدهم.
- طوسی، محمد بن حسن، (شیخ طوسی)، (بی‌تا). الخلاف. بی‌جا: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، (۱۳۶۴ ش). تهذیب الاحکام. مصحح: سید حسن خراسان و محمد آخوندی، چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۰ ش)، *المیزان في تفسير القرآن*، مترجم: سید محمدباقر همدانی، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم، (۱۴۱۷ ق). *العروة الوثقی*. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- علامة حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۴ ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- عبدالنصر، جمال، (۱۴۲۹ ق). *موسوعة الفقه الاسلامی المقارن*. قاهره: وزارت الاوقاف و مجلس الاعلی الاسلامی.
- عباسی، محمود، (۱۳۸۲). *سقط جنین*. تهران: نشر حقوقی مجد.
- فاضلی، عصمت و جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶ ش). *سقط جنین از منظر پزشکی، حقوقی، فقهی، اخلاقی*. تهران: پژوهشکده ابن سینا.
- کانینگهام، ویلیامز، (۱۳۷۰ ش). *بارداری و زایمان*. ترجمه: حمید جزایی، چاپ هجدهم. تهران: دانشگاه علوم پزشکی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). *اصول الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کاسانی، علاء الدین، (۱۴۱۷ ق). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. بیروت: دارالفکر.
- کنعان، احمد محمد، (۱۴۱۴ ق). *الموسوعة الطبیة الفقهیة*. چاپ دوم. بیروت: دارالنفاس.
- گودرزی، فرامرز، (۱۳۷۴ ش). *پزشکی قانونی*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات انیشتین.
- گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۱۳ ق). *مجمع المسائل*. قم: دار القرآن الکریم.
- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۹۰ ق). *تحریر الوسیله*. چاپ دوم. نجف اشرف: دار الکتب العلمیه.
- مفید، محمد بن محمد، (شیخ مفید)، (۱۴۱۳ ق). *المقنعة*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مدکور، محمد سلام، (۱۹۶۹ م)، *الجنین و الاحکام المتعلقة به فی الفقه الاسلامی*. قاهره: بی نا.
- مصطفی عطوی، فتحیه، (۲۰۰۱ م)، *الاجهاض بین الشرع و القانون و الطب*. بیروت: مکتبه الصادر.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۱۳ ق)، *قواعد الأحکام*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰ ش)، *بحوث فقهیه هامه*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب.
- منتظری، حسین علی، (۱۴۱۳ ق)، *الاحکام الشرعیة*. قم: انتشارات تفکر.
- مؤسسه دایرة المعارف الفقه الاسلامی، (۱۴۲۳ ق). *الموسوعة الفقهیة*. قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی.

مظفری، احمد، (۱۳۷۷ ش). بررسی جرم سقط جنین در حقوق ایران، مجله حقوق دادگستری، (شماره ۲۵).

میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۴ ش). حقوق کیفری اختصاصی - جرایم علیه اشخاص. تهران: نشر میزان.

مدنی کاشانی، رضا، (۱۴۰۸ ق). کتاب الدیات. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

نجفی جواهری، محمدحسن، (۱۳۶۲ ش). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق: عباس قوچانی، چاپ هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نوذری فردوسی، محمد، (۱۳۸۴ ش). سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، (شماره ۲۸).

ولیدی، محمد صالح، (۱۳۶۹ ش). حقوق جزای اختصاصی. تهران: امیر کبیر.

وحید خراسانی، حسین، (بی تا). منهاج الصالحین. قم: مدرسة الإمام باقر العلوم.

## منابع لاتین

Cunningham, FG, Leveno, KJ; Bloom, SL et al, eds, (۲۰۱۰), Overview of Obstetrics.

Clinton gardner (۱۹۹۱), dictionary of ecumenicd movment wcc publication, p. ۱

Jones, Robert P, Daniel Cox, and Rachel Laser. "Committed to Availability, Conflicted about Morality: What the Millennial Generation Tells Us about the Future of the Abortion Debate and the Culture Wars.

Hamilton, William James, boyd and Mossman , Harland Winfield, (۱۹۷۵),

Human Embryology: Prenatal Development of Form and Function, ۴th edition.

Keith, moor (۱۹۹۴) , Human development as described in the Qur'an and Sunnah: Correlation with modern embryology.

Sowle cahill lisa, (۱۹۹۷), abortion" paul barry Clarke and Andrew lingay (eds)

dictionary of ethics theology y and society routledge , p. ۱

